

گزارش مجمع پارلمانی ناتو در مورد جمهوری اسلامی ایران

مجمع پارلمانی ناتو عمدتاً از زمان حضور نیروهای این سازمان در افغانستان؛ مسائل و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه را مورد توجه قرارداده است. این مجمع علاوه بر اشاره به ایران در گزارش‌های مختلف موضوعی و تحولات منطقه؛ تا کنون سه گزارش اختصاصی در مورد جمهوری اسلامی ایران تصویب نموده است.

(North Atlantic Council) این مصوبات را به نحو مقتضی مورد توجه قرار می‌دهد.^۳

مجمع پارلمانی ناتو عمدتاً از زمان حضور نیروهای این سازمان در افغانستان؛ مسائل و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه را مورد توجه قرارداده است. این مجمع علاوه بر اشاره به ایران در گزارش‌های مختلف موضوعی و تحولات منطقه؛ تا کنون سه گزارش اختصاصی در مورد جمهوری اسلامی ایران تصویب نموده است. دو گزارش اول در سال ۲۰۰۶ با عنوان "ایران: چالشی برای همکاری‌های فرآتلانتیکی" و "سیاست هسته‌ای ایران" تصویب شده است.^۴ سومین گزارش

مجمع پارلمانی ناتو و بررسی مسائل ایران

مجمع پارلمانی ناتو^۱ ساختاری بین پارلمانی است مرکب از ۲۴۸ نماینده از پارلمان‌های کشورهای عضو ناتو و ۷۲ نماینده از پارلمان‌های شانزده کشوری که با ناتو همکاری دارند.^۲ مجمع پارلمانی ناتو در دو اجلاس بهاره و سالانه خود؛ ابتکارات نهائی شده در کمیسیون‌ها را در چارچوب توصیه (Recommendations)، قطعنامه (Resolutions) و گزارش (Reports) تصویب می‌نماید. دبیرکل ناتو پس از مشورت با شورای آتلانتیک شمالی

1 - The NATO Parliamentary Assembly

<http://www.nato-pa.int/>

۲. این کشورها عبارتند از آلبانی، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بوسنی، کرواسی، فنلاند، مقدونیه، گرجستان، مولداوی، مونته‌نگرو، روسیه، صربستان، سوئد، سوئیس و اوکراین. نمایندگان این کشورها در مجمع پارلمانی ناتو از همه حقوق نمایندگی مانند ارائه پیش نویس قطعنامه یا انتصاب به عنوان گزارشگر ویژه برخوردارند و تنها استثناً در این زمینه؛ حق رأی دادن است که به نمایندگان کشورهای عضو اختصاص دارد.

۳. در مورد پیشینه مجمع پارلمانی ناتو و رابطه آن با پیمان آتلانتیک شمالی بنگرید به : NATO PA Milestones - A Brief History
<http://www.nato-pa.int/Default.asp?SHORTCUT=8>

۴. این گزارش‌ها به ترتیب عبارتند از:
- Ruprecht POLENZ: IRAN – A CHALLENGE FOR TRANSATLANTIC CO-OPERATION

توسط مایک روس^۱ عضو آمریکائی مجمع با عنوان "ایران: موردی برای مداخله سیاسی ناتو" اخیراً در اجلاس سالانه این سازمان (والنسیا - نوامبر ۲۰۰۸) مورد تصویب قرار گرفت. این گزارش در هفت بخش؛ وضعیت موجود، چالش‌های ایجاد شده از ناحیه ایران، سناریوهای تعامل / تقابل با ایران و جایگاه ناتو و سایر بازیگران عمده در این راستا را مورد ارزیابی قرار داده است.

رویکرد و محور اساسی گزارش

گزارش با رویکردی متداول در غرب، سیاست‌های ایران در برخی از حوزه‌ها مانند حمایت ایران از جریان مقاومت در منطقه، توسعه روزافزون توان موشکی و به ویژه برنامه هسته‌ای ایران را موجب بی ثباتی در منطقه و نگرانی جدی جامعه بین‌المللی در مورد اهداف سیاست خارجی آن معرفی می‌کند. بر این اساس ایران چالش بزرگ جامعه بین‌الملل معرفی می‌شود که مقابله با آن اجتناب ناپذیر می‌نماید لذا دو گزینه بمباران هدفمند و تحریم از سوی گزارشگر مورد بررسی قرار گرفته است. گزینه بمباران هدفمند به عنوان یکی از راه‌های مقابله با ایران بر اساس استدلال‌های متداول^۲ مردود تلقی می‌شود اما تأکید گزارشگر بر دو عامل بازدارنده "حمایت فراگیر میان‌نخبگان جریان‌های مختلف سیاسی در مورد برنامه هسته‌ای" و "تقویت ناسیونالیسم ایرانی" در پرتو جنگ هشت ساله و برخورد دوگانه غرب با هسته‌ای شدن ایران (در مقایسه با هند و پاکستان یا اسرائیل) به نوبه خود قابل توجه است. بر این اساس؛ مایک روس گزینه تحریم را

توصیه و تأکید می‌نماید اعمال تحریم باید تا پذیرش راه حل مبتنی بر مصالحه از سوی ایران ادامه یافته و تشدید شود. در عین حال گزارشگر معتقد است تحریم‌های جاری سازمان ملل به علت ضعف ترتیبات اجرائی و فقدان ناظر مستقل؛ مؤثر نبوده است ضمن اینکه سازوکاری برای ارزیابی تأثیر تحریم‌ها نیز وجود ندارد.

نقش ناتو

گزارشگر با بررسی سه دهه رویکرد غرب (اروپا - آمریکا) و ذکر مثال‌هایی مانند سیاست تحریم (آمریکا) در برابر سیاست گفتگوی انتقادی / فراگیر (اتحادیه اروپائی) در قبال ایران؛ این رویکرد را ناپیوسته؛ غیرمنسجم و بعضاً متعارض معرفی می‌نماید. از طرف دیگر و در بحران جاری نیز گزارشگر معتقد است ابتکارات سه اروپائی و قطعنامه‌های شورای امنیت دستاوردهای اندکی داشته و مسأله هسته‌ای نیز صرفاً یکی از نگرانی‌ها از ناحیه ایران است لذا ناتو با توجه به ارتباطات ویژه‌ای که با سازمان ملل، اتحادیه اروپائی و شرکای خود دارد؛ می‌تواند نقطه مناسب برای هماهنگی در این زمینه باشد. ناتو در هر دو مرحله "پیشگیری از هسته‌ای شدن ایران" و "مقابله با ایران هسته‌ای" از ظرفیت زیادی برای ایفای نقش برخوردار است. در مرحله اول؛ قرارگرفتن ایران در دستورکار سیاسی ناتو موجب تقویت هماهنگی سیاسی میان اعضا شده و به ایران نیز نشان خواهد داد که سیاست هسته‌ای شدن به هزینه‌های هنگفت سیاسی و اقتصادی آن نمی‌آورد. آمریکا و ترکیه به عنوان دو عضو ناتو نقشی اساسی در این زمینه دارند. ترکیه روابط گسترده با ایران داشته و امنیت این کشور از هسته‌ای شدن ایران متأثر خواهد شد. در مورد آمریکا نیز هرگونه عادی سازی تدریجی روابط با ایران زمینه‌ساز تقویت مشوق‌ها بوده و چشم‌انداز نیل به مصالحه در برنامه هسته‌ای ایران را

1 - Diana STROFOVA: NUCLEAR POLICY OF IRAN
Mike ROSS نماینده دموکرات از ایالات ارکانزانس در مجلس نمایندگان آمریکا

2. این استدلال‌ها عبارتند از کارکرد صرفاً تأخیری بمباران هدفمند، سخت بودن تحقق آن در پرتو مشکلات ائتلاف در عراق و افغانستان، از بین رفتن گزینه دیپلماتیک، بیسج مردم در حمایت از دولت، فروکاستن اهمیت بین‌المللی موضوع به یک اختلاف دو جانبه ایران - آمریکا یا تبدیل آن به تقابل غرب با اسلام

عملی تر می‌نماید زیرا فقط آمریکا می‌تواند تضمین امنیتی و شناسائی بین‌المللی به عنوان دو هدف عمده ایران را ارائه دهد. در مرحله دوم و با فرض هسته‌ای شدن ایران نیز ائتلاف می‌تواند استراتژی محاصره ایران هسته‌ای را تدوین و اجرا کند.

نقش همسایگان عرب ایران در دو سناریوی تعامل و تقابل

گزارشگر با تأکید بر اهمیت عامل همبستگی برای فشار به ایران؛ نقش کشورهای عرب و به ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس را در این راستا فوق‌العاده دانسته و تنش‌های تاریخی این کشورها با ایران (مانند جنگ هشت ساله رژیم صدام با جمهوری اسلامی ایران، اختلاف بر سر جزایر سه گانه در خلیج فارس، بحث شیعه - سنی و نگرانی عرب‌های سنی در منطقه از این ناحیه) را ظرفیتی قابل بهره‌برداری می‌داند. در عین حال گزارشگر در سناریوی پذیرش یک راه حل مبتنی بر مذاکره از سوی ایران نیز نقش قابل توجهی برای این کشورها قائل بوده و معتقد است این گفتگو باید همسایگان و به ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس را دربرگیرد.

سناریوی شکست دیپلماسی و برخورد با ایران

گزارشگر با اشاره به اینکه قطعنامه‌های شورای امنیت - مانند قطعنامه ۱۵۴۰ که صراحتاً گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را تهدیدی برای امنیت بین‌الملل دانسته است - اجازه اقدام علیه کشورهای ناقض یا مشکوک به نقض موافقتنامه‌های امنیتی را می‌دهد؛ تأکید می‌نماید چنانچه ایران پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود نشان ندهد، ائتلاف و شرکایش باید در مورد چگونگی محاصره بهینه ایران با ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی و - حتی اگر لازم باشد - نظامی به اجماع برسند. نقش ناتو در

چنین فرضی حمایت از تردد کشتی‌ها در خلیج فارس در برابر اقدامات ایران، نظارت بر کشتی‌های تجاری به مقصد ایران برای تضمین اجرای مصوبات شورای امنیت و حمایت از تأسیسات انرژی همسایگان ایران خواهد بود. علاوه بر این؛ اگر ایران مصالحه نموده و به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا کند، ناتو می‌تواند گسترش حضور نظامی خود در منطقه را مورد توجه قرار دهد. همچنین گفتگوی امنیتی با همسایگان ایران به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله با مبادله مسمتر اطلاعات امنیتی در مورد ایران تعمیق پیدا کند. ناتو همچنین می‌تواند بخشی از امر آموزش نظامیان شرکایش در منطقه را به عهده گیرد. نهایتاً ائتلاف می‌تواند ارائه یک تضمین امنیتی (محدود) به شرکای منطقه‌ای خود در خلیج فارس را مورد توجه قرار دهد. علاوه بر کمک به ثبات خلیج فارس، این اقدامات با ایجاد موازنه امنیتی بدون ضرورت دسترسی این کشورها به سلاح هسته‌ای؛ عملاً به پیشگیری از تضعیف پیمان عدم گسترش هم کمک می‌کند. از طرف دیگر اگر ایران هسته‌ای توان موشک‌های بالستیک خود را افزایش دهد، ناتو می‌تواند نقش برجسته‌تری در دفاع موشکی به عهده گیرد. همکاری با روسیه هم می‌تواند مورد توجه باشد زیرا این کشور از منتقدان توسعه توان موشکی ایران است.

جمع بندی: مایک روس در جمع بندی گزارش خود تأکید می‌نماید:

- هدف کلان رسیدن به یک مصالحه فراگیر با ایران است که منافع امنیتی غرب و جهان را تأمین کند اما در عین حال ضرورت نیل به توافق ایجاب می‌نماید منافع امنیتی ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تحریم باید فقط در حد ابزار نیل به هدف نگریده شود.

- ورود ناتو به موضوع بدون اینکه بخواهد جایگزین شورای امنیت شود؛ موجب تقویت موضع شورا و سه کشور اروپائی خواهد بود. ناتو صرفاً پس از پذیرش مصالحه از سوی ایران باید وارد تماس مستقیم با این کشور شده و در چارچوب چنین مصالحه‌ای؛ مجموعه‌ای از پیشنهادات همکاری را در راستای اعتمادسازی ارائه نماید.^۱

- اگرچه دلالتی برای تمایل ایران به مصالحه هم وجود دارد؛^۲ اما تجارب گذشته در مورد واکنش های ایران و شرایط محیطی و بین‌المللی^۳ نشان می‌دهد که ایران بدون یک فشار سنگین سیاسی و اقتصادی حاضر به مصالحه جدی نخواهد نمود. لذا جامعه بین‌المللی باید همچنان به رهیافت دوسویه ارائه چماق و هویج ادامه داده و در صورت لزوم آماده اعمال تحریم های بیشتر باشد تا ایران سیاست خود را تغییر دهد.

ارزیابی گزارش

به نظر می‌رسد رویکرد و ادبیات گزارش مجمع پارلمانی ناتو را می‌توان در چارچوب گرایش حزبی گزارشگر آمریکائی تحلیل نمود. مایکل روس به عنوان

نماینده دموکرات در کنگره، با ادبیات و رویکردی کاملاً همسو با حزب دموکرات آمریکا مسأله هسته‌ای و سایر مسائل عمده سیاست خارجی ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. در این رویکرد بحث تغییر رژیم مطرح نیست بلکه "برخی سیاست های ایران مانند هسته‌ای" و حمایت از جریان مقاومت در منطقه "موجب نگرانی و بی‌ثباتی در خاورمیانه" تلقی می‌شود. هرچند گزارشگر تردیدی در توصیه به افزایش فشار تا تغییر این سیاست ها ندارد اما با اذعان به نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران؛^۴ تهاجم نظامی و حتی بمباران هدفمند ایران را نیز آشکارا مردود می‌شمارد. گزارشگر در ادامه این رویکرد خود؛ چشم‌انداز نیل به یک راه حل دیپلماتیک با ایران را متأثر از جهت‌گیری تحولات داخلی ایران و به ویژه نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آتی می‌داند و لذا معتقد است تغییر در رویکرد هسته‌ای ایران در کوتاه مدت محتمل نیست.

همسو بودن گرایش حزبی و فکری مایکل رایس با باراک اوباما رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده از یکسو و آغاز روند اجرائی شدن این‌گونه پیشنهادات^۵ از سوی دیگر می‌تواند قرینه‌ای قابل توجه بر اهمیت توصیه های گزارشگر و شانس این‌گونه توصیه‌ها برای اجرائی شدن باشد. توصیه های مستقیم و غیرمستقیم مایکل روس

۱. این مجموعه بر اساس گزارش اخیر و قبلی مجمع پارلمانی ناتو ذکر شده می‌تواند شامل موارد زیر باشد: همکاری های محدود فنی - تشریفاتی در خلیج فارس، دعوت از ایران برای مشارکت در ابتکار همکاری استانبول (Istanbul Co-operation Initiative)، مشارکت متقابل در مانورهای نظامی و نظارت متقابل بر جابجائی عمده نیروها و امکانات نظامی در مرزهای ایران و نهایتاً تدوین موافقتنامه کنترل تسلیحات بر اساس الگوی "پیمان نیروهای متعارف در اروپا" در راستای محدودسازی استقرار نیرو در مرزهای عراق و افغانستان.

۲. این دلالت از جمله عبارتند از چالش های متعدد داخلی و به ویژه اقتصادی، نگرانی های فزاینده امنیتی در منطقه از پاکستان تا افغانستان و آسیای مرکزی / قفقاز و تمایل تهران برای پیشگیری از انزوا و بدنام شدن

۳. این شرایط عبارت است از تقویت موقعیت استراتژیک ایران در پی سقوط رژیم های صدام و طالبان، مشکلات آمریکا در این دو کشور که احتمال هرگونه عملیات نظامی علیه ایران را شدیداً کاهش داده، حمایت افکار عمومی جهان اسلام از ایران در پرتو مسأله فلسطین و همچنین عوامل مقطعی مانند افزایش بهای نفت و داده‌های گزارش NIE

۴. نقاط قوت ایران از نظر گزارشگر عبارتند از ظرفیت‌های قابل توجه ایران که آنرا به یک بازیگر مهم منطقه‌ای تبدیل نموده است / نظام سیاسی در ایران دیکتاتوری هدایت شده به وسیله یک نفر یا گروه محدودی از افراد نیست / حمایت افکار عمومی از برنامه هسته ای و اجماع عمومی اما فراگیر در نخبگان طیف های مختلف سیاسی در مورد این برنامه و ...

۵. عمده‌ترین این موارد: تأسیس پایگاه نظامی فرانسه در امارات، تصمیم فرانسه به تاسیس شعبه‌ای از آکادمی نظامی Saint-Cyr در قطر، همکاری بحرین/ کویت/ قطر و امارات با ناتو در چارچوب ICI، قراردادهای متعدد نظامی کشورهای عضو ناتو با کشورهای عرب منطقه، مشارکت مقامات پارلمانی برخی همسایگان غیر عرب ایران (پاکستان / افغانستان/ آذربایجان) در اجلاس بهار ۲۰۰۸ مجمع پارلمانی ناتو و مهم تر از همه؛ جلسه اخیر وزرای خارجه چند کشور عرب حاشیه خلیج فارس با وزرای خارجه ۵+۱ در نیویورک

عبارت است از: تقویت تدریجی نقش سیاسی ناتو در بحران هسته‌ای و امور ایران، اعطای نقش برجسته به همسایگان عرب ایران در هر دو سناریوی تعامل یا تقابل غرب با ایران؛ تلاش برای افزایش نقش ترکیه در اعمال فشار بر ایران، ضرورت تقویت ترتیبات اجرائی تحریم‌های سازمان ملل، توجه به تحولات داخلی ایران و به ویژه انتخابات ریاست جمهوری در ارزیابی و سیاست‌گذاری در

قبال بحران هسته‌ای، مد نظر داشتن سناریوی محاصره اقتصادی/ سیاسی/ نظامی ایران در صورت عدم پذیرش مصالحه هسته‌ای توسط ناتو و براساس الگوی ابتکار امنیت هسته‌ای (proliferation Security Initiative)، گسترش حضور نظامی ناتو و ارائه تضمین امنیتی (محدود) به شرکای منطقه‌ای ناتو در خلیج فارس در صورت هسته‌ای شدن ایران.

رضا زبیب

مرکز مطالعات اروپا